مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

مصوبه حذف ۴ صفر از پول ملی تایید شد

صفحه۲

هشدار یونان به ترکیه در رزمایش مشترک با اسرائیل

صفحه۱۱

یکشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۴-۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ - ۹ نوامبر ۲۰۲۵ -سال بیست وچهارم -شماره ۶۶۸۰ - ۱۲ صفحه -۱۵۰۰۰ تومان

سکوت انتخاباتی در عراق آغاز شد

بغداد چشم انتظار تغییر وزن کشی پارلمان

صفحه۱۱

با تکیه بر مردم مانعی برای رابطه و مذاکره با شرق و غرب عالم وجود ندارد

برنامه مناظره تلویزیون اینترنتی خبرگزاری دانشجو با موضوع «شرق‌گرایی یا غرب‌گرایی»، میزبان مصطفی کواکبیان، نماینده ادوار مجلس و فعال سیاسی اصلاح‌طلب و سعید احدیان، مشاور رسانه‌ای و سیاسی رئیس مجلس شورای اسلامی بود. میهمانان در این برنامه در خصوص...

صفحه۳

استخراج غیرمجاز رمزارز توسط ۱۳میلیون ایرانی

مجری طرح نظارت، ساماندهی و استخراج رمزدارایی شرکت توانیر با بیان اینکه در جریان مقابله با استخراج غیرمجاز رمز ارز گزارشی در خصوص استخراج غیرمجاز رمز ارز در مراکز دولتی یا نظامی وجود نداشته است، از فعالیت ۱۳میلیون ایرانی در حوزه استخراج غیرمجاز رمز ارز خبر داد. هادی سفیدمو، مجری طرح «نظارت، ساماندهی و استخراج رمز ارز» شرکت توانیر، با اشاره به مأموریت توانیر مبنی بر تأمین برق با کیفیت و پایدار برای همه مردم، اظهار کرد:...

صفحه۷

نقش شرکای شرقی در موازنه قدرت با فشار حداکثری

«اگر کشورهایی مانند چین و روسیه تعهدات الزام‌آور خود به عنوان اعضای سازمان ملل برای اجرای تحریم‌ها و محدودیت‌ها را نادیده بگیرند، اعمال فشار بیشتر بر ایران برای آمریکا دشوارتر خواهد شد و واشنگتن برای وادار کردن تهران به پذیرش «غنی‌سازی صفر» در هر توافقی، ابزار محدودی در اختیار خواهد داشت.» «کِلسی داونپورت» کارشناس ارشد خلع سلاح در «انجمن کنترل تسلیحات»...

صفحه۱۰

یادداشت

سیطره بلامنازع الیگارشی مالی پولی بر اقتصاد آینده ایران

منصور انصاری

این پرسش بسیار عمومیت یافته است که اگر فرض کنیم اقتصاد کلان ایران به دلایل تحریم‌ها و سیاست‌های یک جانبه نگر چهار دهه اخیر به بن بست رسیده باشد و لذا دگرگونی در آن اجتناب ناپذیر خواهد بود، در چارچوب مولفه‌های قدرت سیاسی در چه وضعیتی قرار می‌گیرد و به کدام سو خواهد رفت؟ آیا عرصه «اقتصاد نیمه دولتی رانتیه درون‌گرای» کنونی بیشتر خواهد شد؟ یعنی دولت، حال هر دولتی، برای اداره امور اقتصادی، دامنه فعالیت خود را گسترش خواهد داد و سعی خواهد کرد که تمام زوایا و جوارح اقتصاد و بازرگانی در حوزه‌های کوچک و بزرگ یا خرد و کلان را از آن خود کند؟ و آیا بر آن است دخالت خود را گسترش دهد؟ و اگر بخواهد در وضعیت بحرانی کنونی، سیطره خود را بر اقتصاد دولتی افزون سازد، می‌تواند یا نه؟ آیا ممکن است دولت به خاطر برون رفت از بن بست کنونی سعی کند نیمه دوم و کم قوت متعلق به بخش خصوصی را نیز تصاحب کند یا بخش خصوصی با وضعی که به وجود آمده داوطلبانه تا آنجا که می‌تواند خود را کنار می‌کشد و همه چیز را به دولت وا می‌گذارد؟

در واقع، بخش خصوصی دست شکسته اقتصاد به بن بست رسیده را به گردن دولت می‌اندازد و خود را از این نابسامانی وارهاند؟ در وجه دیگر این تحلیل می‌توان پرسید آیا ممکن است برعکس، دولت در بن بست به وجود آمده به ناگزیر خود را از اقتصاد کلان کنار بکشد و بخش خصوصی عهده‌دار تمام امور اقتصادی شود و دولت در ایران مانند تمام اقتصادهای متعارف جهان در خدمت بخش خصوصی و ناظر و کنترل کننده رقابت‌های انحصارطلبانه اقتصادی بخش خصوصی شود؟

به عبارتی، می‌توان گفت شرایط سیاسی در جزء و کل و در عرصه‌های مختلف حکمرانی به گونه‌ای تغییر می‌یابد که اقتصاد ایران توسط بخش خصوصی وارد اقتصاد جهانی شود و مانند یک بازیگر و با تکیه به پتانسیل‌های نهفته و آشکار منابع معدنی، طبیعی، اقلیمی و نیروی انسانی کار آزموده و تحصیل کرده با رعایت قوانین و قاعده بازی اقتصاد و بازرگانی جهانی ایفای نقش کند؟ موضوعی که تماما به وضعیت سیاسی و تعاملات دولت یا حاکمیت با جهان بستگی دارد که البته محال به نظر می‌رسد. گذشته از این سوالات باید روشن گفت؛ عمده اقتصاد حتی نفت در دست دولت نیست و نهادهای فرادولتی عهده دار بخش عمده و اصلی اقتصاد و بازرگانی کشور هستند. با این حال، اگر تحولاتی در سطح بالای سیاسی و ساختار آن به وجود آید، بعید به نظر می‌رسد بخش خصوصی غیر وابسته به حاکمیت که بسیار هم ضعیف است بتواند به طور کامل عهده دار اقتصاد کلان و بازرگانی کشور شود.

لذا باید گفت، اگر تحولاتی در ساختار سیاسی و نگرش حکمرانی به وجود آید، چشم انداز اقتصاد کلان کشور شاهد سلطه بلامنازع الیگارشی‌های مالی قدرتمندی که هم اکنون هستند (که قدرت و توان و دامنه عمل انها را می‌توان با مقیاس و حجم گسترده و وسیع فسادهای کنونی سنجید)، خواهد بود و آنان تمامی اقتصاد را در دست می‌گیرند و میداندار انحصاری خواهند بود. یعنی این الیگارشی قدرتمند و پر توانی که تمام ابزارهای لازم سیاسی و نظامی را هم اکنون در اختیار دارد و سازمان یافته و منسجم است در صورت دگرگونی‌های ساختاری در سیاست با پوسته‌ای متفاوت، قدرت اقتصاد کلان را زیر سیطره خود قرار می‌دهد. در چنان شرایطی، دولت به ناگزیر از وظایف خود در عرصه اقتصاد کلان و به تبع آن از مسئولیت‌های عمومی در قبال مردم بسیار فاصله می‌گیرد و تقریبا این وظایف عمومی را رها می‌کند، مگر اصولا تغییرات سیاسی و ساختاری کاملا متفاوتی رخ دهد.

الیگارشی‌های قدرت مالی پولی که البته به تولید و عمران بسیار کم می‌پردازند چون دردسر ساز است و پولش به قول معروف، «آفتاب به افتاب» نیست، پس اقتصاد کلان را به سوی برنامه‌ها و اهداف سودجویانه خود می‌کشانند و در یک شرایط همسان جویی ائتلافی و تبانی سراسری با سایر جناح‌های قدرت، تمام اقتصاد و بازرگانی و مبادلات تجاری داخلی و خارجی را قبضه می‌کنند و طبعا بازیگرانی توانمند در اقتصاد جهانی نیز خواهند شد. اما شرایط دمکراتیک در جامعه مدنی به وجود نخواهد آمد و حداقل برای مدتی به شیوه «نئوپری بندالیسم» و پدرسالارانه، در یک فضای دیکتاتور مآبانه جامعه را زیر سلطه خود اداره می‌کنند و جامعه مدنی و خواسته‌های آن را به شمار نمی‌آورند.

این تصور که برون رفت از مخمصه کنونی و آنچه بن بست اقتصادی و فروپاشی آن نامیده می‌شود منجر به یک اقتصاد آزاد و رقابتی ملی با بهره‌گیری از تعاملات جهانی می‌شود حاصل نخواهد شد و جامعه مدنی با دست‌یابی به رسانه‌های آزاد و اقتصاد لیبرالی را آنچنان که رفاه نسبی به وجود آید شکل نخواهد گرفت. چنین تصور و فرضی برای آینده اقتصاد ایران بسیار دور از تصور و نامحتمل است. سلطه آینده بر اقتصاد کلان، سلطه الیگارشی پولی مالی کنونی خواهد بود که متکی به ائتلاف‌های قدرتمند نظامی و جناح‌های مشترک المنافع است و از آنجا که محور این ائتلاف پولی مالی، تولیدی یا عمرانی نخواهد بود، بحث اشتغال همچنان معضل اصلی جامعه آینده باقی می‌ماند. در یک اقتصاد انحصاری الیگارشی، رقابتی در میان نخواهد بود بلکه بحث منافع و سود بیشتر با همسویی سرمایه داری جهانی که دنبال پول و ژئوپلیتیک‌های حساس و تعیین کننده مانند ایران است، مطرح خواهد بود. رفاه نسبی برای مردم نیز موضوعی فرعی می‌شود.

یادداشت

وکالت با تأکید بر اسناد بین‌المللی

شادی کشاورزی

وکیل، به عنوان یکی از ارکان بنیادین تحقق عدالت و تضمین حق دفاع، جایگاهی والا در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی دارد. در منظومه حقوق بین‌الملل معاصر، احترام به وکیل و تضمین استقلال و امنیت او نه‌تنها یک ضرورت حرفه‌ای بلکه یک الزام حقوق بشری محسوب می‌شود.

حق برخورداری از وکیل یکی از مظاهر اساسی دادرسی عادلانه است. ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) مقرر می‌دارد که هر فرد متهم به جرم، حق دارد از وکیل منتخب خود برای دفاع برخوردار شود. این حق نه‌تنها ناظر بر متهم است، بلکه به‌طور ضمنی مستلزم وجود وکیل مستقل، مصون و محترم در ساختار دادرسی است. بدون چنین وکیلی، حق دفاع صرفاً ظاهری خواهد بود و دادرسی منصفانه تحقق نخواهد یافت.

یکی از مهم‌ترین اسناد در این زمینه، «اصول اساسی سازمان ملل در مورد نقش وکلا» مصوب کنگره هشتم پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان (هاوانا، ۱۹۹۰) است.

این اصول، چارچوبی جامع برای تضمین استقلال، امنیت و آزادی حرفه‌ای وکلا ترسیم کرده‌اند.

برخی از نکات کلیدی این سند عبارت‌اند از:

۱- وکلا باید بتوانند بدون تبعیض در ارائه خدمات حقوقی مشارکت کنند.

۲- دولت‌ها موظف‌اند تضمین کنند که وکلا بدون تهدید، ارعاب، مداخله نابجا یا تعقیب قضایی، بتوانند وظایف حرفه‌ای خود را انجام دهند.

۳- وکلا نباید به دلیل اقدامات حرفه‌ای مشروع، با مجازات یا تهدید مواجه شوند.

۴- دولت‌ها باید مصونیت حرفه‌ای وکلا را در اظهارات و اقدامات در چارچوب دادرسی‌ها به رسمیت بشناسند.

۵- مراجع حرفه‌ای مستقل (کانون‌های وکلا) باید در نظارت بر رفتار وکلای دادگستری نقش داشته باشند و استقلال خود را از دولت حفظ کنند. این اصول، هرچند الزام‌آور به معنای معاهداتی نیستند، اما در عرف بین‌الملل و رویه سازمان‌های حقوق بشری به عنوان استانداردهای جهانی رفتار با وکلا پذیرفته شده‌اند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

چالش ساختار حاکمیت آمریکا با شاه ترامپ

محمد حسین واحدی

ترامپ توانسته اخیرا با استفاده از قدرت ریاست جمهوری خود در صدد تحکیم اقتدار خود بر آمده است. به طوری که برخی‌ها ادعای ایجاد حکومت تمامیت خواه را در مورد ترامپ می‌کنند. حتی دموکرات‌ها تظاهرات بسیاری را علیه او به راه انداختند. با این حال ترامپ نه تنها این حرف‌ها را تکذیب نکرد. بلکه در عین ناباوری خود را شاه نامید. او در ادامه گفت اگر قانون اساسی ایالات متحده اجازه دهد دوباره کاندید خواهم شد. همزمان با این سخن مردمان بسیاری علیه ترامپ در آمریکا تظاهرات کردند. با این حال ترامپ با این تظاهرات چپ‌ها برخورد کرد. او بلافاصله دستور داد تا نیروهای گارد ملی وارد عمل شوند. او حتی دستور فدرالیزه کردن گارد ملی را داد. فدرالیزه یعنی اینکه یک ایالت که مانند کشور قوانین و نیروهای نظامی مختص به خود را دارد. با حکم رئیس جمهور آمریکا نیروی نظامی خود را باید در اختیار او بگذارد. ترامپ نیز با دخالت دادن نیروهای گاردملی ایالت‌های دیگر در ایالت‌های دموکرات باعث خشم و ناراحتی آنها شد. اما هدف ترامپ قلع و قمع کردن تظاهرات کنندگان است. او تظاهر کنندگان را دست پرورده دموکرات‌ها همچون اسلیپی جو و اسلام گرایان می‌داند. علاوه بر همه اینها تهدید ترامپ مبنی بر کاهش بودجه نیویورک در صورت رای آوردن ممدانی، تهدید دانشگاه‌هاروارد نیز در صورت حمایت از فلسطین به تعطیلی و کاهش بودجه، توانسته خود را به عنوان یک حاکم مستبد غیرقابل پیش‌بینی جا بزند.

ترامپ گام‌های بزرگی برای تمدید قدرت خود نیز برداشته از جمع کردن نیروهای زیادی در یک جا، که از زمان جنگ ویتنام بی سابقه بوده است.

سیاست خارجی نیز می‌گویند تداوم سیاست داخلی است. ترامپ نیز از این قاعده مستثنی نیست. وی حتی در سیاست خارجی خود حالت دیکتاتور گونه دارد. مثلا در مورد ایران دو گزینه دارد و ما مراکز هسته‌ای ایران را بمباران کردیم.

یا مثلا ونزوئلا را تهدید به حمله نظامی می‌کند.

ترامپ یک قمار باز دیکتاتور گونه است. اما در آمریکا در جناح راست‌ها، ملی گرا و سفیدپوستان طرفدران بسیاری دارد. با این وجود اخیر تعداد چپ‌ها و تظاهرات شان رو به افزایش است.

اخیرا نیزا ممدانی که حاصل سیاست‌های ضد مهاجرتی ترامپ با دموکرات‌های بالا آمد. دموکرات‌هایی که نود درصد جامعه ال. جی. بی.تی طرفدار آنها هستند. علاوه بر این مهاجران نیز کفه ترازو رو سنگین می‌کنند.

به غیر از همه اینها پوپولیستی مثل ممدانی که از دیوار مذهب بالا می‌رود. وعده دستگیری نتانیاهو بدون توجه به لابی صهیونیسم را می‌دهد.

علاوه بر این شعار اتوبوس مجانی را می‌دهد در حالی می‌خواهد مالیات کارخانه را در نیویورک بالا ببرد. این باعث مهاجرت کارخانه‌ها به بیرون از شهر نیویورک می‌شود. تناقض‌های یک چپ بی انتهاست از کاملا هریسی که به شدت طرفدار سخت جنین است. از طرفی ممدانی سخن از اسلام و شیعه می‌کند. ال. جی بی. تی‌ها هم در ترازوی ممدانی قرار دارند وعده کاهش اجاره خانه و اتوبوس مجانی مرعوب‌شان کرده است.

یادداشت

سیاست پساترامپی و ظهور زهران ممدانی

عباس عبدالخانی

زهران ممدانی، سیاست‌مدار مسلمان و فرزند مهاجران اوگاندایی‌تبار، یکی از چهره‌های نوظهور در صحنه سیاسی آمریکا است که در سال‌های اخیر از دل محلات فقیرنشین نیویورک برخاست و در نهایت با کسب پیروزی تاریخی در انتخابات شهرداری نیویورک، به نخستین شهردار مسلمان بزرگ‌ترین شهر ایالات متحده تبدیل شد.

او ۳۴ ساله و زاده اوگاندا و پرورش‌یافته در نیویورک است؛ جوانی که در هفت سالگی به آمریکا مهاجرت کرد که با تلاش و تحصیل در حوزه سیاست عمومی و فعالیت‌های اجتماعی توانست به نماد امید و تحول در جامعه‌ای تبدیل شود که سال‌ها میان تبعیض، نابرابری و دوگانگی طبقاتی گرفتار بود.

در آستانه گذار پرآشوب سیاست آمریکا، پیروزی ممدانی را می‌توان نشانه‌ای روشن از آغاز دوره‌ای تازه دانست؛ دوره‌ای که بسیاری آن را «سیاست پساترامپی» می‌نامند. این مفهوم نه صرفا پایان دوران دونالد ترامپ، بلکه تضعیف گفتمان هراس، انزوا و نژادپرستی پنهانی است که در سال‌های اخیر فضای عمومی آمریکا را مسموم ساخته بود. انتخاب یک مسلمان مهاجر در قلب نیویورک، پاسخی اجتماعی به دهه‌ای از سیاست‌های مهاجرستیز، نابرابر و پوپولیستی است که شکاف‌های عمیق میان طبقات، اقوام و ادیان را تشدید کرده بود.

ترامپ با اتکا بر ترس از «دیگری» و با شعار بازگرداندن عظمت به آمریکا، پوپولیسم اقتدارگرا را در ساختار سیاسی کشور تثبیت کرد. اما همانطور که هر موجی، ضدموج خود را می‌آفریند، ظهور ممدانی نماد تولد ضدموجی انسانی‌تر و اخلاقی‌تر است. او از دل همان جوامعی برخاست که سیاست‌های ترامپ نادیده گرفته بود: مهاجران، اقلیت‌ها، جوانان و اقشار کم‌درآمد. پیام او ساده اما عمیق بود؛ بازگرداندن کرامت انسانی به سیاست.

در عرصه اجتماعی، ممدانی نماینده نسلی است که عمدتا از نسل Z و مهاجران رنگین‌پوست تشکیل شده است؛ نسلی که از نابرابری، تبعیض و شکاف طبقاتی به ستوه آمده و سیاست را ابزاری برای عدالت اجتماعی می‌بینند نه رقابت حزبی. وعده‌های او برای کنترل اجاره، گسترش خدمات عمومی و حمل‌ونقل رایگان، پاسخی مستقیم به ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری آمریکایی بود که ترامپ نماینده‌اش به‌شمار می‌رفت.

اما پیروزی ممدانی بُعدی ژئوپلیتیکی نیز دارد. نیویورک، مرکز مالی و رسانه‌ای آمریکا، از دیرباز جایگاه پرنفوذترین لابی‌های صهیونیستی جهان بوده است.

پیروزی فردی که آشکارا با سیاست‌های اسرائیل و شخص نتانیاهو مخالفت می‌کند، ضربه‌ای به سلطه دیرینه این شبکه‌ها بود. ممدانی نه‌تنها از جنایات جنگی اسرائیل در غزه انتقاد کرده، بلکه وعده داده در صورت ورود نتانیاهو به نیویورک از بازداشت او حمایت کند.

ادامه در صفحه ۳

برادر گرامی جناب آقای مهندس رضا عبیات

انتصاب شایسته حضرتعالی به عنوان مدیرکل هماهنگی امور اقتصادی استانداری خوزستان را تبریک عرض نموده؛ با امید به اینکه با توکل به توفیقات الهی و با تکیه بر تجارب و توانمندی‌های ارزشمند حضرتعالی شاهد شکوفایی در حوزه‌های اقتصادی استان باشیم. با امید به اینکه در اعتلای آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران موفق و پیروز باشید.

کیوان توکلی دستجردی، مدیرعامل شرکت تأمین اول ره‌آوا

برادر عزیز جناب آقای مهندس رضا عبیات

انتصاب شایسته جنابعالی به عنوان مدیرکل هماهنگی امور اقتصادی استانداری خوزستان را تبریک عرض می‌نمایم. رجای واثق دارد حضور شما در این مسئولیت خطیر به عنوان مدیری متعهد و کاردان، نویدبخش چشم‌اندازی روشن در عرصه‌های اقتصادی استان زرخیز خوزستان خواهد بود. دوام توفیقات حضرتعالی را از حضرت حق مسألت دارم.

پژمان کریمی

سرپرستی روزنامه مردم‌سالاری در استان خوزستان